

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۳۳

آیه ۱۸۶

آیه و ترجمه

۱۸۶ - لتبیلون فی اءمولکم و اءنفسکم و لتسمعن من الذین اءوتوا الکتب من قبلکم و من الذین اءشركوا اءذی کثیرا و اءن تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور

ترجمه :

۱۸۶ - بطور مسلم در اموال و نفوس خود آزمایش می شوید و از آنها که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شدند (یعنی یهود و همچنین) از آنها که راه شرک پیش گرفتند سخنان آزار دهنده فراوان خواهید شنید، و اگر استقامت کنید و تقوی پیشه سازید (شایسته تر است) زیرا اینها از کارهای محکم و قابل اطمینان است.

شان نزول :

هنگامی که مسلمانان، از مکه به مدینه مهاجرت نمودند و از خانه و زندگی خود دور شدند مشرکان دست تجاوز به اموال آنها دراز کرده به تصرف خود در - آوردند و به هر کس دست می یافتند، از اذیت و آزار زبانی و بدنی فروگذار نمی کردند. و به هنگامی که به مدینه آمدند، در آنجا رفتار بدگویی و آزار یهودیان مدینه شدند، مخصوصا یکی از آنان بنام کعب بن اشرف شاعری بد زبان و کینه توز بود، که پیوسته پیامبر و مسلمانان را به وسیله اشعار خود، هجو می کرد و مشرکان را بر ضد آنها تشویق می نمود، حتی زنان و دختران مسلمان را موضوع غزلسرائی و عشق بازی خود قرار می داد. خلاصه کار وقاحت را بجائی رسانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) ناچار دستور قتل او را صادر کرد و بدست مسلمانان کشته شد. آیه فوق طبق روایاتی که از مفسران نقل شده اشاره به این موضوعات می کند و مسلمانان را به ادامه مقاومت تشویق می نماید.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۳۴

تفسیر :

از مقاومت خسته نشوید

با توجه به آنچه در شأن نزول آمد، مسلمانان به هنگام مراجعت به مدینه سخت از سوی دشمنان تحت فشار بودند، و مورد انواع آزارها قرار می گرفتند، آیه فوق آنها را دعوت به استقامت می کند و از آینده درخشانی اجمالا خبر می دهد. نخست می فرماید: «شما در جان و مال، مورد آزمایش قرار خواهید گرفت» (لتبلون فی اموالکم و انفسکم).

اصولا این جهان صحنه آزمایش است و ناگزیر باید خود را آماده مقابله با حوادث و رویدادهای سخت و ناگوار کنید، و این در حقیقت هشدار و آماده باشی است به همه مسلمانان که گمان نکنند حوادث سخت زندگی آنها، پایان یافته و یا مثلا با کشته شدن کعب بن اشرف، شاعر بد زبان پر خاشگر و آشوب طلب، دیگر ناراحتی و زخم زبان از دشمن نخواهند دید.

به همین جهت در جمله بعد می گوید: «بطور مسلم در آینده از اهل کتاب (یهود و نصاری) و مشرکان سخنان ناراحت کننده فراوانی خواهید شنید» (و لتسمعن من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم و من الذین اشرکوا اذی کثیرا).

مسأله شنیدن سخنان ناسزا از دشمن با اینکه جزء آزمایشهایی است که در آغاز آیه آمده، ولی بخصوص در اینجا به آن تصریح شده، و این بخاطر اهمیت فوق العاده ای است که این موضوع، در روح انسانهای حساس و باشرف دارد چه اینکه طبق جمله مشهور «زخمهای شمشیر التیام پذیرند اما زخم زبان التیام نمی یابد»!

سپس قرآن به وظیفه ای را که مسلمانان در برابر اینگونه حوادث سخت و دردناک دارند بیان می کند و می گوید: «اگر استقامت بخرج دهید، شکیبا باشید، و تقوی و پرهیزکاری پیشه کنید، (این از کارهایی است که نتیجه آن روشن است و لذا هر انسان عاقلی باید تصمیم انجام آن را بگیرد.)» (و ان تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۳۵

«عزم» در لغت، به معنی «تصمیم محکم» است و گاهی به هر چیز محکم نیز گفته می شود، بنابراین «من عزم الامور» به معنی کارهای شایسته ای است که انسان باید روی آن تصمیم بگیرد یا به معنی هر گونه کار محکم و قابل اطمینانی است.

تقارن «صبر» و «تقوی» در آیه گویا اشاره به این است که بعضی افراد در عین استقامت و شکیبائی، زبان به ناشکری و شکایت باز می کنند، ولی مؤمنان واقعی صبر و استقامت را همواره با تقوی می آمیزند، و از این امور دورند.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۳۶

آیه ۱۸۷

آیه و ترجمه

۱۸۷ - و اذءخذ الله میثق الذین اءوتوا الکتب لتبیینہ للناس و لا تکتُمونہ فنبذوه وراء ظہورہم و اشتروا بہ ثمنًا قليلًا فبئس ما یشترون ترجمه :

۱۸۷ - و (بخاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که حتما آنها برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید، اما آنها آنها را پشت سرافکندند، و به بهای کمی مبادله کردند، چه بد متاعی خرند؟

تفسیر :

به دنبال ذکر پاره ای از خلاقیات اهل کتاب، این آیه به یکی دیگر از اعمال زشت آنها که مکتوم ساختن حقایق بوده اشاره می کند، و می گوید: «فراموش نکنید زمانی را که خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که آیات کتاب را برای مردم آشکار سازند، و هرگز آن را کتمان نکنند» (و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبیینہ للناس و لا تکتُمونہ).

جالب توجه این که جمله «لتبیینہ» با اینکه با لام قسم و نون تاء کید ثقیله همراه است و نهایت تاء کید را می رساند، باز با جمله «و لا تکتُمونہ» بدرقه شده است که آن هم دستور بعدم کتمان می دهد. از مجموع این تعبیرات برمی آید که خداوند بوسیله پیامبران پیشین، مؤکدترین پیمان را از آنها برای بیان حقایق گرفته بوده، اما با این همه، در این پیمان محکم الهی خیانت کردند و حقایق کتب آسمانی را کتمان نمودند و لذا می گوید: «آنها کتاب خدا را پشت سر انداختند» (فنبذوه وراء ظہورہم).

این جمله کنایه جالبی است از عمل نکردن و بدست فراموشی سپردن، زیرا انسان هر برنامه ای را می خواهد ملاک عمل قرار دهد پیش روی خود می گذارد و پی در پی به آن نگاه می کند، ولی هر گاه نخواهد به آن عمل کند، و بکلی بدست فراموشی بسپارد آن را از پیش رو برداشته پشت

این جمله اشاره به دنیاپرستی شدید و انحطاط فکری آنها می کند و می گوید: «آنها با این کار تنها بهای ناچیزی بدست آوردند و چه بد متاعی خریدند» (و اشتروا به ثمنا قليلا فبئس ما يشترون).

اگر آنها در برابر این جنایت بزرگ (کتمان حقایق) ثروت عظیمی گرفته بودند جای این بود که گفته شود، عظمت آن مال و ثروت، چشم و گوش آنها را کور و کر ساخته، ولی تعجب در این است که همه اینها را به متاع قلیلی فروختند (البته منظور از این جمله کار دانشمندان دین همت آنهاست).

وظیفه بزرگ دانشمندان

آیه فوق گرچه درباره دانشمندان اهل کتاب (یهود و نصاری) وارد شده ولی در حقیقت اخطاری به تمام دانشمندان و علمای مذهبی است که آنها موظفند در تبیین و روشن ساختن فرمانهای الهی و معارف دینی بکوشند و خداوند از همه آنها پیمان مؤکدی در این زمینه گرفته است. توجه به ماده تبیین که در آیه فوق به کار رفته نشان می دهد که منظور تنها تلاوت آیات خدا و یا نشر کتب آسمانی نیست، بلکه منظور این است، حقایق آنها را عریان و آشکار در اختیار مردم بگذارند تا به روشنی همه توده ها از آن آگاه گردند، و به روح و جان آنها برسند، و آنها که در تبیین و توضیح و تفسیر و روشن ساختن مسلمانان کوتاهی کنند، مشمول همان سرنوشتی هستند که خداوند در این آیه و مانند آن برای علمای یهود بیان کرده است.

از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «من کتم علما عن اهل الجم يوم القيامة بلجام من نار»، هر کس که علم و دانشی را از آنها که اهل آن هستند (و نیاز به آن دارند) کتمان کند خداوند در روز رستاخیز، دهنه ای از آتش به دهان او می زند.

حسن بن عمار می گوید: روزی نزد «زهري» رفتم، بعد از آنکه نقل حدیث را برای مردم ترک گفته بود، و به او گفتم: احادیثی که شنیده ای برای من بازگو، به من گفت: مگر تو نمی دانی که من دیگر برای کسی حدیث

نقل نمی‌کنم! گفتم بهر حال یا تو برای من حدیث بگو یا من برای تو حدیث نقل می‌کنم، گفت: تو حدیث بگو! گفتم: از علی (علیه‌السلام) نقل شده که می‌فرمود: «ما اخذ الله علی اهل الجهل ان يتعلموا حتی اخذ علی اهل العلم ان يعلموا»، خداوند پیش از آنکه از افراد نادان پیمان بگیرد که دنبال علم و دانش بروند از علماء و دانشمندان پیمان گرفته است که به آنها علم بیاموزند!»!

هنگامی که این حدیث تکان دهنده را برای او خواندم، سکوت خود را شکست و گفت: اکنون بشنو تا برای تو بگویم و در همان مجلس، چهل حدیث برای من روایت کرد!

برای اطلاع بیشتر از خیانت دانشمندان اهل کتاب، به آیات ۷۹ و ۱۷۴ سوره بقره و آیات ۷۱ تا ۷۷ سوره آل عمران مراجعه شود.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۳۹

آیه ۱۸۸ - ۱۸۹

آیه و ترجمه

۱۸۸ - لا تحسبن الذين يفرحون بما ءتوا و يحبون اءن يحمدوا بما لم يفعلا ولا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب اءليم

۱۸۹ - و لله ملك السموت و الارض و الله على كل شء قدير

ترجمه :

۱۸۸ - گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند از عذاب (الهی) برکنارند، (بلکه) برای آنها عذاب دردناکی است. ۱۸۹ - و حکومت آسمانها و زمین از آن خدا است و خدا بر همه چیز توانا است.

شان نزول :

محدثان و مفسران شاءن نزولهای متعددی برای آیه فوق نقل کرده‌اند، از جمله اینکه جمعی از یهود به هنگامی که آیات کتب آسمانی خویش را تحریف و کتمان می‌کردند و به گمان خود، از این رهگذر نتیجه می‌گرفتند، از این عمل خود بسیار شاد و مسرور بودند، و در عین حال دوست می‌داشتند که مردم آنها را عالم و دانشمند و حامی دین و وظیفه شناس بدانند، آیه فوق نازل شد، و به پندار غلط آنها پاسخ گفت.

بعضی دیگر گفته‌اند: آیه درباره منافقان است، هنگامی که یکی از

جنگ‌های اسلامی پیش می‌آمد، آنها با انواع بهانه‌ها، از شرکت در میدان جنگ خودداری می‌کردند، و به هنگامی که جنگجویان، از جهاد بر می‌گشتند، قسم یاد می‌کردند، که اگر عذر نمی‌داشتند، هرگز جهاد را ترک نمی‌گفتند، و با اینحال انتظار داشتند که در برابر «کار ناکرده» مانند مجاهدان فداکار، مورد تحسین قرار گیرند!! آیه نازل شد و به این توقع نابجا پاسخ گفت.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۰

تفسیر :

از خود راضی‌ها

افراد زشتکار دو دسته‌اند: دسته‌ای برآستی از عمل خود شرمندehاند، و روی طغیان غرائز، مرتکب زشتی‌ها و گناهان می‌شوند. نجات این دسته، بسیار آسان است، زیرا همیشه بعد از انجام گناه پشیمان شده، مورد سرزنش وجدان بیدارشان قرار می‌گیرند.

ولی دسته دیگری هستند، نه تنها احساس شرمندگی نمی‌کنند، بلکه به قدری مغرور و از خود راضی هستند، که از اعمال زشت و ننگینشان خوشحالند و حتی بان مباحات می‌کنند، و از آن بالاتر، مایل هستند، که مردم، آنها را نسبت باعمال نیکی که هرگز انجام نداده‌اند، مدح و تمجید، کنند. آیه فوق می‌گوید: «گمان مبرید، که این گونه اشخاص که از اعمال زشت خود خوشحالند، و دوست می‌دارند، در برابر آنچه انجام نداده‌اند، از آنها تقدیر شود از عذاب پروردگار بدورند، و نجات خواهند یافت» (لاتحسبن الذین یفرحون بما اتوا و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلاتحسبنهم بمفازة من العذاب).

بلکه نجات برای کسانی است، که حداقل، از کار بد خود شرمندehاند و از اینکه کار نیکی نکرده‌اند، پشیمانند.

در پایان آیه می‌گوید: «نه تنها این گونه اشخاص از خود راضی و مغروراهل نجات نیستند، بلکه «عذاب دردناکی در انتظار آنها است» (و لهم عذاب الیم).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۱

از این آیه ممکن است، استفاده شود که فرح و سرور در برابر کار نیکی که انسان

توفیق انجام آنرا یافته (اگر به صورت معتدل باشد، و مایه غرور و خودپسندی نگردد) نکوهیده نیست. و همچنین علاقه به تشویق و تقدیر، در برابر کارهای نیکی که انجام شده، آنهم اگر در حد اعتدال باشد و انگیزه اعمال او نباشد مذموم نخواهد بود، زیرا اینها غریزی انسان است. اما باینحال، دوستان خدا و افرادی که در سطوح عالی ایمان قرار دارند، حتی از چنان سرور و چنین تقدیری خود را بدور می دارند.

آنها همواره، اعمال خود را ناچیز و کمتر از میزان لازم می بینند، و خود را مقصر در برابر عظمت پروردگار، احساس می کنند.

ضمناً تصور نشود، که آیه فوق مخصوص به منافقانی است که در صدر اسلام بوده اند، و یا مانند آنها، بلکه، همه افرادی که، در عصر و زمان ما، در شرائط مختلف اجتماعی قرار دارند و از اعمال زشت خود شادند، و یا مردم را تحریک می کنند که آنها را، با قلم، یا سخن، در برابر اعمالی که انجام نداده اند، تقدیر کنند، همگی مشمول این آیه اند.

این چنین افراد، نه تنها عذاب دردناک جهان دیگر، در انتظارشان است، بلکه، در زندگی این جهان نیز، گرفتار خشم مردم، و جدائی از خلق خدا، و انواع نابسامانیها، خواهند شد.

در آیه بشارتی است، برای مؤمنان و تهدیدی است، برای کافران، می فرماید: «(خداوند، مالک آسمانها و زمین است، و او بر همه چیز قادر است)» (و لله ملک السموات و الارض و الله علی کل شیء قدیر).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۲

یعنی دلیلی ندارد که مؤمنان برای پیشرفت خود از راههای انحرافی وارد شوند، و بکاری که انجام نداده اند تشویق گردند، آنها می توانند در پرتو قدرت خداوند آسمان و زمین، با استفاده کردن از طرق مشروع و صحیح به پیشروی خود ادامه دهند، و نیز افراد بدکار و منافق که می خواهند با استفاده از این طرق انحرافی بجائی برسند، تصور نکنند، که از مجازات پروردگاری که بر تمام هستی حکومت می کند، نجات خواهند یافت.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۳

آیه ۱۹۰ - ۱۹۴

آیه و ترجمه

۱۹۰ - اِن فِی خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتَلَفِ الْيَلِ وَ النَّهَارِ لَا اِیَّکَ الْاِلٰهَ
 ۱۹۱ - الَّذِیْنَ یَذْکُرُوْنَ اللّٰهَ قِیْمًا وَ قَعُوْدًا وَ عَلٰی جَنُوْبِهِمْ وَ یَتَفَكَّرُوْنَ فِی
 خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَطْلًا سُبْحَنَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 ۱۹۲ - رَبَّنَا اِنَّکَ مِنْ تَدَخُلِ النَّارَ فَمِنْ اَحْزِیَّتِهِ وَ مَا لِلظَّالِمِیْنَ مِنْ اَنْصَارٍ
 ۱۹۳ - رَبَّنَا اِنَّمَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِیْ لِلْاِیْمَنِ اِنَّ اِیْمَنًا بِرَبِّکُمْ فَاَمِنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ
 لَنَا ذُنُوبَنَا وَ کَفِّرْ عَنَّا سِیِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ
 ۱۹۴ - رَبَّنَا وَ اَعْتَدْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسْلِکَ وَ لَا تَخْزَنَا یَوْمَ الْقِیْمَةِ اِنَّکَ لَا
 تَخْلِفُ الْمِیْعَادَ

ترجمه :

۱۹۰ - مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های
 (روشنی) برای صاحبان خرد و عقل است.
 ۱۹۱ - همانها که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آنگاه که بر
 پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند، و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین
 می‌اندیشند، (و می‌گویند) بار الهی این را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو، ما را از
 عذاب آتش نگاه دار.
 ۱۹۲ - پروردگارا، هر که را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی، او را خوار و
 رسوا ساخته‌ای، و این چنین افراد ستمگر هیچ یآوری نیست.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۴

۱۹۳ - پروردگارا، ما صدای منادی توحید را شنیدیم، که دعوت می‌کرد
 به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم، (اکنون که چنین
 است) پروردگارا، گناهان ما را ببخش، و ما را با نیکان (و در مسیر
 آنها) بمیران!
 ۱۹۴ - پروردگارا، آنچه را به وسیله پیامبران ما را وعده فرمودی، به ما مرحمت
 کن، و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو هیچگاه از وعده خود تخلف
 نمی‌کنی.

تفسیر :

روشن‌ترین راه خداشناسی

آیات قرآن تنها برای خواندن نیست، بلکه برای فهم و درک مردم نازل شده و
 تلاوت و خواندن آیات مقدمه‌ای است، برای اندیشیدن، لذا در آیه فوق نخست
 اشاره به عظمت آفرینش آسمان و زمین کرده و می‌گوید: «در آفرینش

آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌های روشنی برای صاحبان خرد و اندیشمندان است (ان فی خلق السموات و الارض واختلاف الليل و النهار لایات لاولی الالباب).

و به این ترتیب مردم را به اندیشه در این آفرینش بزرگ جلب و جذب می‌کند، تا هر کس به اندازه پیمانۀ استعداد و تفکرش از این اقیانوس بیکران، سهمی ببرد و از سرچشمه صاف اسرار آفرینش سیراب گردد. و برآستی، جهان آفرینش، و نقشه‌ای بدیع و طرحهای زیبا و دل‌انگیز آن و نظامات خیره‌کننده‌ای که بر آنها حکومت می‌کند کتاب فوق‌العاده بزرگی است که هر حرف و کلمه آن دلیل بسیار روشن، بر وجود و یکتائی آفریدگار جهان است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۵

(الذین یذکرون الله قیاما و قعودا نقشه و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض).

نقشه دل‌ربا و شگفت‌انگیزی که، در گوشه و کنار این جهان و در پهنه هستی به چشم می‌خورد آنچنان قلوب صاحبان خرد را بخود جذب می‌کند، که در جمیع حالات خود، چه ایستاده و چه نشسته و یا در حالی که در بستر آرمیده، و به پهلوی خوابیده‌اند بیاد پدید آورنده این نظام و اسرار شگرف آن می‌باشند، و لذا در آیه فوق می‌فرماید: «خردمندان آنها هستند که خدا را در حال قیام و قعود و آنگاه که بر پهلوی خوابیده‌اند یاد می‌کنند و در اسرار آسمانها و زمین می‌اندیشند» (ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار لایات لاولی الالباب).

یعنی همیشه و در همه حال غرق این تفکر حیات بخشند. در این آیه نخست اشاره به ذکر و سپس اشاره به فکر شده است یعنی تنهایی‌آوری خدا کافی نیست، آنگاه این یادآوری ثمرات ارزنده‌ای خواهد داشت که آمیخته با تفکر باشد همانطور که تفکر در خلقت آسمان و زمین اگر آمیخته، با یاد خدا نباشد، نیز بجائی نمی‌رسد چه بسیارند دانشمندانی که در مطالعات فلکی خود و تفکر مربوط به خلقت کرات آسمانی این نظام شگفت‌انگیز را می‌بینند اما چون بیاد خدا نیستند، و عینک توحید بر چشم ندارند و از زاویه شناسائی مبداء هستی به آنها نگاه نمی‌کنند، از آن نتیجه لازم تربیتی و انسانی را نمی‌گیرند.

همانند کسی که غذائی می خورد که تنها جسم او را قوی می کند، و در تقویت اندیشه و فکر و روح او اثری ندارد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۶

تفکر و اندیشه، در اسرار آفرینش و زمین به انسان آگاهی خاصی می دهد، ونخستین اثر آن توجه به بیهوده نبودن خلقت است، زیرا جایی که انسان در هر موجود کوچکی، از این جهان بزرگ هدفی می بیند، آیا می تواند باور کند، که مجموعه جهان، بی هدف باشد، در ساختمان مخصوص اعضای پیکر یک گیاه، هدفهای روشنی می بینیم، قلب انسان و حفره ها و دریچه های آن هر کدام برنامه و هدفی دارند، ساختمان طبقات چشم هر کدام بخاطر منظوری است، حتی مژه ها و ناخن ها هر یک، نقشی معین برعهده دارند. آیا ممکن است ذرات یک موجود، هر کدام دارای هدف خاصی باشد، اما مجموعه آن، مطلقاً، هدفی نداشته باشد؟!

لذا خردمندان، با توجه به این حقیقت، این زمزمه را سر می دهند که: «خداوند! این دستگاه با عظمت را بیهوده، نیافریدی» (ربنا ما خلقت هذا باطلا).

بار الها! این جهان بی نهایت بزرگ و این نظام شگفت انگیز همه روی حکمت و مصلحت و هدف صحیح آفریده شده اند، همگی نشانه وحدانیت تو است و تو از کردار عبث و بیهوده منزهی.

صاحبان عقل و خرد پس از اعتراف به وجود هدف در آفرینش بلافاصله، بیاد آفرینش خود می افتند و می فهمند انسان که میوه این جهان هستی می باشد، بیهوده آفریده نشده است و هدفی جز تربیت و پرورش و تکامل وی در کار نبوده او تنها برای زندگی زودگذر و کم ارزش این جهان آفریده نشده است بلکه سرای دیگر در پیش دارد که در آنجا پاداش و کیفر اعمال در برابر او قرار می گیرد، در این موقع متوجه مسئولیتهای خود می شوند، و از خدا تقاضای توفیق انجام آنها را می طلبند، تا از کیفر او در امان باشند و لذا می گویند خداوند! «تو منزّه و پاکی ما را از عذاب آتش نگاهدار» (سبحانک فقنا عذاب النار).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۷

بار الها هر که را تو (بر اثر اعمالش) بدوزخ افکنی او را خوار و رسواساخته ای، و

این گونه افراد ستمگر، یاوری ندارند» (سبحانک فقنا عذاب النار). (ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته).

از این جمله استفاده می‌شود، که خردمندان بیش از آنچه از آتش دوزخ می‌ترسند از رسوائی وحشت دارند، و همین است حال افراد با شخصیت، آنها حاضرند همه گونه رنج و ناراحتی را تحمل کنند اما حیثیت و آبروی آنها محفوظ بماند. بنابراین دردناک‌ترین عذاب رستاخیز، برای این دسته همان رسوائی در پیشگاه خدا، و بندگان خدا است.

نکته‌ای که در جمله «ما للظالمین من انصار» نهفته است این است که: خردمندان، پس از آشنائی با اهداف تربیتی انسان به این حقیقت می‌رسند که تنها وسیله پیروزی و نجات انسان اعمال و کردار اوست، و بنابراین افراد ستمگر نمی‌توانند یاوری داشته باشند. زیرا یاور اصلی را که عمل پاک است از دست داده‌اند و تکیه روی کلمه ظلم یا بخاطر اهمیت این گناه از میان گناهان است و یا به خاطر آنست که تمام گناهان بازگشت به ظلم و ستم بر خویشان می‌کند.

البته این آیه منافاتی با مسأله شفاعت (به معنی صحیح) ندارد، زیرا همانطور که در بحث شفاعت گفتیم، شفاعت، نیاز به آمادگی خاصی در شفاعت شونده دارد، و این آمادگی، در پرتو پاره‌های از اعمال نیک پیدامی‌شود. صاحبان عقل و خرد، پس از دریافت هدف آفرینش، به این نکته نیز متوجه می‌شوند، که این راه پر فراز و نشیب را بدون رهبران الهی، هرگز نمی‌توانند پیمایند. به همین دلیل همواره مترصد شنیدن صدای منادیان ایمان و راستین هستند و تا نخستین ندای آنها را بشنوند به سرعت به سوی آنها می‌شتابند،

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۸

پس از کنجکاوی و بررسی لازم دعوت آنها را پاسخ می‌گویند، و با تمام وجود خود، ایمان می‌آورند. و لذا به پیشگاه پروردگار خود، عرض می‌کنند: «بار الها! ما صدای، منادی توحید

را شنیدیم که ما را دعوت به سوی ایمان می‌کرد، و به دنبال آن ایمان آوردیم» (ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا برکم فامنا). بار الها اکنون که چنین است و ما با تمام وجود خود ایمان آوردیم، اما از آنجاکه در معرض وزش طوفان‌های شدید غرائز گوناگون قرار داریم،

گاهی لغزشهایی از ما سر می زند و مرتکب گناهانی می شویم، «خداوندا! ما را ببخش و گناهان ما را بیامرز و لغزشهای ما را پوشیده دار و ما را با نیکان و در راه و رسم آنان، بمیران. (ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار).

آنها آنچنان به اجتماع انسانی پیوسته اند و از تکروری و فردپرستی، بیزارند که از خدا می خواهند نه تنها حیات و زندگی آنها با نیکان و پاکان باشد، بلکه مرگ آنها، اعم از مرگ طبیعی یا شهادت در راه خدا در جمع نیکان و با راه و رسم آنها صورت گیرد، که مردن در میان جمع بدان مرگی مضاعف است. در اینجا سؤالی پیش می آید که با تقاضای آمرزش گناهان، پوشیدن سیئات و بخشش آنها چه معنی دارد؟

با توجه به سایر آیات قرآن پاسخ این سؤال روشن می شود، زیرا از آیه ۳۱ سوره نساء «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم، اگر از گناهان کبیره دوری کنید ما سیئات شما را می پوشانیم و از بین می بریم چنین استفاده می شود که سیئات به گناهان صغیره گفته می شود بنابراین خردمندان نخست از خدا تقاضای عفو از لغزشهای بزرگ می کنند و به دنبال آن تقاضای از بین رفتن آثار گناهان صغیره دارند.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴۹

آنها در آخرین مرحله و پس از پیمودن راه توحید و ایمان به رستاخیز و اجابت دعوت پیامبران و انجام وظائف و مسئولیتهای خویش از خدای خود تقاضا می کنند و می گویند اکنون که ما به پیمان خویش وفا کردیم «بار الها آنچه را تو به وسیله پیامبران وعده فرمودی و مژده دادی به ما مرحمت کن، و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو هر چه را وعده دهی تخلف ناپذیر است» (ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد).

تکیه کردن روی عنوان «رسوا نشدن» بار دیگر این حقیقت را تاءکید می کند که آنها به خاطر اهمیتی که برای شخصیت خویش قائلند، رسوائی را از دردناکترین مجازاتها می دانند و لذا انگشت روی آن می گذارند. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هر کسی را کار مهمی پیش آید پنج بار بگوید «ربنا» خداوند او را از آنچه می ترسد رهائی می بخشد و به آنچه امید دارد نائل می گرداند عرض کردند چگونه پنج بار «ربنا» بگوید

فرمود این آیات را که مشتمل بر پنج «ربنا» است بخواند و به دنبال آن اجابت پروردگار است زیرا می‌فرماید: «فاستجاب لهم ربهم...» ناگفته پیداست که تأثیر واقعی و عمیق این آیات در صورتی است که زبان انسان در آن هماهنگ با دل و عمل انسان باشد، و مضمون آیات که طرز تفکر خردمندان و عشق و علاقه آنها را به خدا و توجه آنها را به مسئولیتها و انجام اعمال نیک می‌رساند در جان آنها جایگزین شود، و همان حال خضوع و خشوع را پیدا کنند که خردمندان با ایمان، به هنگام مناجات باخدای خود، پیدا می‌کردند.

اهمیت آیات

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۰

تمام آیات قرآن دارای اهمیت است، زیرا همگی کلام خداست، و برای تربیت و نجات بشریت نازل شده است، ولی در میان آنها بعضی درخشندگی خاصی دارد، از جمله پنج آیه فوق از فرازهای تکان دهنده قرآن است، که مجموعه‌ای از معارف دینی آمیخته با لحن لطیف مناجات و نیایش، در شکل یک نغمه آسمانی می‌باشد، و لذا در احادیث و روایات اهمیت خاصی باین آیات داده شده است.

عطاء بن ابی ریحاح می‌گوید: روزی نزد عایشه رفتم، از او پرسیدم، شگفت‌انگیزترین چیزی که در عمرت از پیامبر اسلام، دیدی چه بود او گفت کار پیامبر همه‌اش شگفت‌انگیز بود. ولی از همه عجیب‌تر اینکه: شبی از شبها که پیامبر در منزل من بود باستراحت پرداخت، هنوز آرام نگرفته بود، از جابر خاست و لباس پوشید و وضو گرفت و بنماز ایستاد. و آنقدر در حال نماز و جذب به خاص الهی اشک ریخت، که جلو لباسش از اشک چشمش ترشد، سپس سر به سجده نهاد، و چندان گریست که زمین از اشک چشمش تر شد. و همچنان تا طلوع صبح منقلب و گریان بود، هنگامیکه «بلال» او را به نماز صبح خواند، پیامبر را گریان دید. عرض کرد چرا چنین گریانیدی؟ شما که مشمول لطف خدا هستید؟ فرمود: «افلا اکون لله عبدا شکورا، آیا نباید بنده شکرگزار خدا باشم چرا نگریم؟ خداوند در شبی که گذشت، آیات تکان دهنده‌ای بر من نازل کرده است. و سپس شروع بخواندن پنج آیه فوق کرد. و در پایان فرمود: «ویل لمن قرئها و لم یفکر فیها، وای به حال آنکس که آنها را بخواند و در آنها نیندیشد».

جمله اخیر که افراد را با تاءکید فراوان به تفکر هنگام تلاوت این آیات امر می کند، در روایات متعددی به عبارات گوناگون نقل شده است. در روایتی از علی (علیه السلام) نقل شده که پیامبر خدا هر گاه، برای نماز شب بر می خاست نخست مسواک می کرد، و سپس نظری به آسمان می افکند، و این آیات را زمزمه می نمود.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۱

در روایات اهل بیت نیز دستور داده شده که هر کس برای نماز شب بر می خیزد این آیات را تلاوت کند.

نوف بکالی، که از یاران خاص علی (علیه السلام) بود، می گوید: شبی در خدمتش بودم، هنوز چشم مرا خواب فرا نگرفته بود، دیدم امام برخاست، و شروع به - خواندن این آیات کرده، سپس مرا صدا زد و گفت: ای نوف! خوابی، یا بیدار؟ عرض کردم بیدارم و صحنه آسمان را تماشا می کنم فرمود: خوشا آنان که آلودگی های زمین را نپذیرفتند و به این راه آسمان، پیش رفتند (از چهار دیوار عالم ماده بیرون پریدند و روح بلند آنها ملکوت آسمانها را سیر می کند).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۲

آیه ۱۹۵

آیه و ترجمه

۱۹۵ - فاستجاب لهم ربهم ائنی لا اضع عمل منکم من ذکر اءو ائنی بعضکم من بعض فالذین هاجروا و اخرجوا من دیرهم و اءودوا فی سبیلی وقتلوا و قتلوا لا کفرن عنهم سیاتهم و لا دخلنهم جنت تجری من تحتها الانهر ثوابا من عند الله و الله عنده حسن الثواب

ترجمه :

۱۹۵ - خداوند درخواست آنها (صاحبان خرد که درخواستهای آنها در آیات سابق گذشت) را پذیرفت (و فرمود) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد، شما همگی ممنوعید و از جنس یکدیگر، آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند سوگند یاد می کنم، که گناهان آنها را می بخشم، و آنها را در بهشتهائی که از زیر درختان آن نهرها جاری است، وارد می کنم، این پاداشی است از طرف خداوند،

وبهترین پاداشها نزد پروردگار است.

شان نزول :

آیات پیشین درباره صاحبان عقل و خرد، و نتیجه اعمال آنها می باشد و شروع آیه با فاء تفریع روشنترین دلیل این پیوند است، با این حال شأن نزولهایی برای آیه در روایات و کلمات مفسران آمده است که البته منافاتی با پیوستگی آیه با آیات قبل ندارد.

از جمله نقل شده است که ام سلمه (یکی از همسران رسول خدا) خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: در قرآن از جهاد و هجرت و فداکاری مردان، فراوان بحث شده،

شده، آیا زنان هم در این قسمت سهمی دارند؟

آیه فوق نازل شد و به این سؤال پاسخ گفت.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۳

و نیز نقل شده که علی (علیه السلام) هنگامی که با فواطم (فاطمه بنت اسد و فاطمه دختر پیامبر و فاطمه دختر زبیر) از مکه بمدینه هجرت کرد، و ام ایمن یکی دیگر از زنان با ایمان در بین راه نیز به آنها پیوست، آیه فوق نازل گردید. همانطور که اشاره کردیم وجود این شأن نزولها برای آیه فوق منافاتی با پیوستگی آن با آیات قبل ندارد همانطور که بین این دو شأن نزول نیز منافاتی نیست.

تفسیر :

نتیجه برنامه خردمندان

در پنج آیه گذشته، فشردهای از ایمان و برنامه های عملی و درخواست های صاحبان فکر و خرد و نیایشهای آنها بیان شد، در این آیه می فرماید: «پروردگارشان، بلا فاصله درخواست های آنها را اجابت می کند» (فاستجاب لهم ربهم).

تعبیر به «ربهم» (پروردگارشان) حکایت از نهایت لطف و مرحمت پروردگار نسبت به آنان دارد.

سپس برای اینکه اشتباه نشود و ارتباط پیروزی و نجات آدمی با اعمال و کردار او قطع نگردد بلافاصله می فرماید: «من هرگز عمل هیچ عمل کننده ای از شما را ضایع نمی کنم» (انی لا اضيع عمل عامل منکم).

که در این جمله هم اشاره به اصل عمل شده و هم اشاره به عامل و کننده کار،

تا معلوم شود که محور اصلی پذیرش و استجابت دعا، اعمال صالح ناشی از ایمان است و درخواست‌هایی فوراً به اجابت می‌رسد که بدرقه آن عمل صالح بوده باشد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۴

سپس برای اینکه تصور نشود که این وعده الهی اختصاص به دسته معینی دارد صریحاً می‌فرماید: «این عمل کننده خواه مرد باشد یا زن تفاوتی نمی‌کند (من ذکر او انشی).

زیرا همه شما در آفرینش به یکدگر بستگی دارید» (بعضی از شما از بعض دیگر تولد یافته‌اید) زنان از مردان و مردان از زنان. (بعضکم من بعض). جمله «بعضکم من بعض» ممکن است اشاره به این باشد که شما همه پیروان یک آئین و طرفدار یک حقیقت هستید و با یکدگر همکاری دارید بنابراین دلیلی ندارد که خداوند، در میان شما تبعیض قائل شود. سپس نتیجه‌گیری می‌شود که بنابراین تمام کسانی که در راه خدا هجرت کرده‌اند و از خانه و وطن خود بیرون رانده شده‌اند و در راه خدا آزار دیده‌اند و جهاد کردند و کشته دادند نخستین احسانی که از طرف خداوند در حق آنان خواهد شد این است که خداوند، قسم یاد کرده که گناهان آنها را خواهد بخشید و تحمل این شدائد و رنجها را کفاره گناهانشان قرار می‌دهد تا بکلی از گناه پاک شوند» (فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اذوافی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لا کفرن عنهم سیئاتهم).

سپس می‌فرماید: علاوه بر اینکه گناهان آنها را می‌بخشم بطور مسلم «آنها را در بهشتی جای می‌دهم که از زیر درختان آن، نهرها در جریان است و مملو از انواع نعمتها است» (و لا دخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار). «این پاداشی است که به پاس فداکاری آنها از ناحیه خداوند، به آنها داده می‌شود و بهترین پاداشها و اجرها در نزد پروردگار است» (ثوابا من عندالله و الله عنده حسن الثواب).

اشاره به اینکه پاداشهای الهی برای مردم این جهان بطور کامل قابل توصیف نیست همین اندازه باید بدانند که از هر پاداشی بالاتر است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۵

از آیه فوق بخوبی استفاده می‌شود که نخست باید در پرتو اعمال صالح

از گناهان پاک شد سپس وارد بساط قرب پروردگار و بهشت و نعمتهای او گردید، زیرا در آغاز می‌فرماید: «لا کفرن عنهم سیئاتهم» و سپس «ولادخلنهم جنات...» به عبارت دیگر بهشت جای پاکان است و تا کسی پاک نشود در آن راه نخواهد یافت.

ارزش معنوی مرد و زن

آیه فوق همانند آیات بسیار دیگر از قرآن مجید، زن و مرد را در پیشگاه خدا و در وصول به مقامات معنوی در شرائط مشابه یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و بدنال آن پاره‌ای از تفاوت‌ها در مسئولیتهای اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر بدست آوردن تکامل انسانی نمی‌شمارد بلکه هر دو را از این نظر کاملاً در یک سطح قرار می‌دهد و لذا آنها را با هم ذکر کرده است این موضوع درست به آن میماند که از نظر انضباط اداری یک نفر را بعنوان رئیس، انتخاب می‌کنند و دیگری را بعنوان معاون و یا عضو، رئیس باید توانائی بیشتر و یا تجربه و اطلاعات وسیعتری در کار خود داشته باشد، ولی این تفاوت و سلسله مراتب هرگز دلیل بر این نیست که شخصیت انسانی و ارزش وجودی رئیس از معاون یا کارمندانش بیشتر است.

قرآن مجید با صراحت می‌گوید: «و من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب ، هر کس از مرد و زن عمل شایسته انجام دهد و ایمان داشته باشد داخل بهشت خواهد شد و بدون حساب، روزی داده می‌شود (و از مواهب روحانی و جسمانی آن جهان برخوردار می‌گردد).

و در آیه دیگر می‌خوانیم «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییه حیوة طيبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون، هر کس از مرد و زن عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۶

به او حیات و زندگی پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آنها را به نحو احسن خواهیم داد»

این آیات و آیات فراوان دیگر در عصر و زمانی نازل گردید که بسیاری از ملل دنیا در انسان بودن جنس زن تردید داشتند و آن را یک موجود نفرین شده، و سرچشمه گناه و انحراف و مرگ می‌دانستند!

بسیاری از ملل پیشین حتی معتقد بودند که عبادات زن در پیشگاه خدامقبول نیست. بسیاری از یونانیها زن را یک موجود پلید و از عمل شیطان می دانستند، رومیها و بعضی از یونانیها معتقد بودند که اصولاً زن دارای روح انسانی نیست و بنابراین روح انسانی منحصر در اختیار مردان است.

جالب اینکه تا همین اواخر علمای مسیحی در اسپانیا در این باره بحث می کردند که آیا زن مثل مرد، روح انسانی دارد و روح او بعد از مرگ جاودان خواهد ماند یا نه؟ و پس از مباحثاتی به اینجا رسیدند که چون روح زن برزخی است میان روح انسان و حیوان، جاویدان نیست بجز روح مریم!

از اینجا روشن می شود اینکه پاره ای از افراد بی اطلاع گاهی اسلام را متهم می کنند که اسلام دین مردها است نه زنها، چه اندازه از حقیقت دور است، به طور کلی اگر در پاره ای از قوانین اسلام به خاطر تفاوت های جسمی و عاطفی که میان زن و مرد وجود دارد تفاوت هایی از نظر مسئولیتهای اجتماعی دیده می شود به هیچ وجه به ارزش معنوی زن لطمه نمی زند، و از این لحاظ زن و مرد با یکدیگر تفاوتی ندارند و درهای سعادت به طور یکسان بروی هر دو باز است، چنانکه در آیه مورد بحث خواندیم «بعضکم من بعض» همه از یک جنس و یک جامعه هستید.

بعد ←

↑فرست

→ قبل